



فصلنامه علوم محیطی، دوره چهاردهم، شماره ۲، تابستان ۱۳۹۵

۱۳۹-۱۵۲

حفاظت از محیط زیست در قبال خسارات ناشی از درگیری مسلحانه

هاجر راعی دهقی^{۱*}، جواد نجفی^۲

^۱ دانشجوی دکتری حقوق بین الملل عمومی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه علامه طباطبایی، اصفهان
^۲ دانشجوی دکتری حقوق خصوصی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد قم

تاریخ پذیرش: ۹۵/۰۲/۱۱

تاریخ دریافت: ۹۴/۰۸/۱۷

Protection of the Environment against Damage during Armed Conflict

Hajar Raei Dehaghi^{1*}, Jvad Najafi²

¹ PhD. Student of public international law, Faculty of Law and Political Science, Allameh Tabatabai University

² PhD. Student privacy rights, Faculty of Humanities, Qom Islamic Acad University

Abstract

War is a phenomenon in which the damage is inevitable and one of the significant losses during armed conflict is the environment. In this respect, humanitarian law protects and takes account of the environment in a few of its regulations. However, these regulations have not given sufficient support to the environment and the question arises whether any prohibitions available in international environmental law are applicable to environmental protection in this case, or should we only use the provisions contained in humanitarian international law for this. In this paper we consider these regulations and the possibility of applying of them to protecting the environment in the event of armed conflict. Damage to the environment during armed conflict may occur intentionally or unintentionally. Intentional damage to the environment occurs when the environment is used as a weapon or damage to the environment is deliberate, but the environment is not used as a weapon. Regulations that have been enacted to protect against these damages contain certain conditions and the fulfilment of these conditions is necessary for incurring damage. Regarding unintentional damage to the environment, the main victim is not the environment, however, and the precautionary principle should be applied. In this regard, it is necessary to consider types of losses, existing prohibitions and possibility of minimizing environmental losses.

Keywords: Environment, Additional Protocol I, Convention ENMOD, Damage, Armed conflict

چکیده

جنگ پدیده‌ای است که در آن خسارت اجتناب ناپذیر است. یکی از مواردی که در طول درگیری مسلحانه خسارات قابل توجهی بر آن وارد می شود محیط زیست است. در این راستا حقوق بشردوستانه در تعداد معدودی از مقررات خود به محیط زیست و حمایت از آن توجه داشته است. با این حال این مقررات به اندازه کافی به حمایت از محیط زیست نپرداخته اند و این مساله مطرح می شود که آیا مقررات حقوق بین الملل محیط زیست و ممنوعیت های موجود در این رشته برای حفاظت از محیط زیست قابل اعمال است یا تنها باید از مقررات موجود در حقوق بشردوستانه برای حفاظت از محیط زیست استفاده کرد. در این نوشتار سعی می شود که این مقررات و امکان اعمال و اجرای آن ها را در جهت حفاظت بیشتر از محیط زیست بررسی قرار کنیم. از سوی دیگر خسارات وارده به محیط زیست در طی درگیری مسلحانه ممکن است به صورت عمدی یا غیر عمدی رخ دهد. خسارات عمدی به محیط زیست هنگامی رخ می دهد که از محیط زیست به عنوان سلاح استفاده می شود یا زمانی که خسارات وارده به محیط زیست عمدی است ولی از محیط زیست به عنوان یک سلاح استفاده نمی شود. مقرراتی که در راستای جلوگیری از این دو نوع خسارت وضع شده اند آستانه هایی در نظر گرفته اند که این آستانه ها برای تحقق خسارت مورد بررسی قرار می گیرد. در خصوص خسارات غیر عمدی به محیط زیست، قربانی اصلی محیط زیست نیست ولی با این حال به محیط زیست خساراتی وارد می شود و بایستی اصل احتیاط را اعمال کرد. در این مورد باید به انواع خسارات، ممنوعیت های موجود و امکان به حداقل رساندن این خسارات پرداخت.

کلمات کلیدی: محیط زیست، پروتکل اول الحاقی، کنوانسیون انمود، خسارت، درگیری مسلحانه

* Corresponding Author. E-mail Address: h_raei@yahoo.com

۱- مقدمه

هر چند امروزه مطابق قواعد حقوق بین الملل عملیاتی که نام جنگ دارد تحریم و ممنوع شده است ولی هنوز هم در نوع مجاز آن یعنی دفاع مشروع یا سایر انواع تغییر شکل یافته آن، انسان ها کشته می شوند، خانه ها و مزارع ویران می گردند، منابع و ذخایر از بین می روند و محیط زیست به شدت آسیب می بیند. حفظ محیط زیست و توجه به مسائل آن به خصوص در دوران جنگ و درگیری های مسلحانه یکی از موضوعات مهم جهانی و دغدغه برانگیز بشر معاصر و مدافعان حقوق بشر است، زیرا بهره برداری از طبیعت و کرامت انسانی و تحقق امنیت و عدالت توسعه و رشد نسلهای آینده رابطه بسیار نزدیکی با رعایت حفظ محیط زیست و مسائل آن دارد و هرگونه آسیب و تخریب طبیعت بر زندگی سالم انسان اثرگذار است. این مساله اهمیت حفاظت از محیط زیست در قبال خسارات ناشی از درگیری های مسلحانه را نشان می دهد.

در ابتدا لازم است به واژه شناسی محیط زیست بپردازیم. واژه محیط زیست از کلمه باستانی فرانسوی *environnement* به معنی احاطه کردن، گرفته شده است. با کاربرد گسترده واژه احاطه، محیط زیست می تواند شامل مجموع شرایط طبیعی، اجتماعی و فرهنگی گردد که بر حیات فرد یا اجتماع اثر می گذارد [۱].

در رابطه با مساله حفاظت از محیط زیست به صورت کلی رشته ای با عنوان حقوق بین الملل محیط زیست شکل گرفته است. حقوق بین الملل محیط زیست، مجموعه قواعد و مقررات بین المللی حاکم بر کلیه مسائل زیست محیطی است. چند نمونه از اصول و مقررات حقوق بین الملل محیط زیست عبارت است از: اصول اعلامیه استکهلم در کنفرانس ملل متحد، قطعنامه ۲۹۹۷ مورخ ۱۵ دسامبر ۱۹۷۲ مجمع عمومی (برنامه محیط زیست ملل متحد، UNEP)، ماده ۳۰ منشور حقوق و وظایف اقتصادی کشورها، منشور جهانی طبیعت، کنوانسیون راجع به حقوق استفاده های غیر کشتیرانی از آبراه های بین المللی ۱۹۹۷، بند ۳ ماده ۱۹ طرح کنوانسیون مربوط به مسئولیت بین المللی دولت ها، برنامه های زیست محیطی جامعه اقتصادی اروپا، کنوانسیون سازمان توسعه و همکاری اقتصادی و اعلامیه ریو. در این باره باید به این مساله پرداخت که آیا اصول و مقررات حقوق بین المللی محیط زیست برای حفاظت و جلوگیری از آسیب به محیط زیست در هنگام درگیری های مسلحانه قابلیت اعمال و اجرا دارد؟ یا در زمان بروز درگیری مسلحانه حقوق

بشردوستانه در قواعد و مقررات خود به مساله حفاظت از محیط زیست پرداخته است. از آن جمله می توان از پروتکل اول الحاقی نام برد که نیاز به حمایت و حفاظت از محیط زیست را شناسایی کرده است و امروزه دلائلی مبنی بر عرفی شدن مقررات مرتبط با آن و یا حداقل برخی از آنها وجود دارد [۲]. علاوه بر این صلیب سرخ در قواعد ۴۳، ۴۴ و ۴۵ حقوق بین الملل بشردوستانه عرفی حمایت از حفاظت از محیط زیست را شناسایی کرده است. کمیته بین المللی صلیب سرخ در قاعده ۴۳ حقوق بین المللی بشردوستانه عرفی اصول عام ناظر بر هدایت درگیری ها نسبت به محیط زیست را بیان کرده و در این مورد اصل تفکیک، ممنوعیت انهدام اموال بدون ضرورت موجه نظامی و اصل تناسب را جاری دانسته است.

کمیته بین المللی صلیب سرخ نیز در موارد متعددی به مساله تضمین حفاظت و احترام به محیط زیست توسط طرفین درگیر در جنگ مسلحانه پرداخته است. این کمیته برای تاثیر بخشی نظارت خود چند نشست تخصصی برگزار نموده و این نشست ها منجر به اتخاذ « اصول راهنما و دستورالعمل رفتار نظامیان برای حمایت از محیط زیست در طی درگیری مسلحانه » شده است. این اصول راهنما از سوی مجمع عمومی سازمان ملل پذیرفته شد و این مجمع در سال ۱۹۹۴ از تمامی دولت ها درخواست نمود این اصول راهنما را مدنظر قرار دهند [۲۴].

علاوه بر این در سال ۲۰۰۹ نیز کمیته بین المللی صلیب سرخ برنامه هایی برای کمک به حفظ و بازیابی شرایط قابل قبول زندگی برای افراد تحت تاثیر درگیری های مسلحانه و دیگر شرایط خشونت زا تدارک دید. این قربانیان به طور عمده برای زندگی سالم و امن به محیط زیست طبیعی خود وابسته اند. این سند تعریفی از مسائل زیست محیطی و حفاظت از محیط زیست در خلال درگیری های مسلحانه ارائه نموده است [۳].

گفتنی است که در مورد حفظ و حمایت از محیط زیست طبیعی در درگیری های مسلحانه غیر بین المللی پروتکل دوم الحاقی سکوت کرده و در خصوص عرفی بودن قواعد حمایتی مذکور جای تردید است. اما حداقل می توان روند کنونی را در راستای حمایت هرچه بیشتر از محیط زیست و وضع مقرراتی دانست که شامل درگیری های مسلحانه غیر بین المللی نیز بشود، و این بدان معناست که احتمالاً در زمان خود به عرف تبدیل خواهد گردید. [۴].

زیست» بررسی شد و با توجه به سکوت پروتکل دوم الحاقی به درگیری های مسلحانه غیر بین المللی پرداخته نخواهد شد و در ادامه به حفاظت از محیط زیست و طبقه بندی خسارات وارد بر محیط زیست، ماهیت تعهد دولت ها به حفاظت از محیط زیست، امکان اجرای قواعد حقوق بین الملل محیط زیست در خلال درگیری های مسلحانه و واکاوی عبارات مندرج در اسناد بین الملل در راستای حفاظت از محیط زیست (خسارات شدید، گسترده و پایدار بر محیط زیست) در خلال درگیری های مسلحانه بین المللی بررسی خواهد شد.

۱- حفاظت از محیط زیست در درگیری های مسلحانه

با پیشرفت دانش و دستاوردهای نوین علمی، تخریب محیط زیست هم افزایش یافته است. آنچه در جنگ دوم جهانی اتفاق افتاد یا بمباران سدهای کره توسط امریکا در دهه ۱۹۵۰، یا اقدامات صورت گرفته در دو دهه بعد توسط نیروهای آمریکایی در ویتنام، اقدامات صربستان در بوسنی در دهه ۱۹۹۰ و تجاوز عراق به خاک کویت که حمله به تاسیسات نفتی این کشور و آلودگی های نفتی گسترده ای را در سطح منطقه به همراه داشت، نمونه هایی از تخریب محیط زیست با توجه به دستیابی به ابزارها و تکنیک های جدید تخریب محیط زیست هستند [۷].

بطور کلی دو دسته از قوانین و مقررات به حفاظت از محیط زیست در درگیری مسلحانه پرداخته اند. دسته اول مقررات حقوق بین الملل محیط زیست است، که چه در زمان صلح و چه در زمان جنگ برای حفاظت از محیط زیست بکار می روند، به عبارت دیگر ممنوعیت تخریب یا آسیب رسانی به محیط زیست در درگیری های مسلحانه، موضوع قواعد حقوق بین الملل محیط زیست نیز هست. گروه دوم حقوق بشردوستانه است که برخی از مقررات آن جنبه زیست محیطی دارند و کاربردشان در زمان جنگ است. از جمله اسناد دسته اول عبارت است از منشور جهانی طبیعت (قطعنامه ۷/۳۷) مصوب مجمع عمومی ملل متحد در سال ۱۹۸۲ که به موجب بند ۵ آن: «باید طبیعت را در برابر صدمات ناشی از جنگ و سایر فعالیت های خصمانه در امان داشت.»

اصل ۲۱ اعلامیه استکهلم مصوب اولین کنفرانس سازمان ملل متحد در زمینه محیط زیست انسانی به تاریخ ۱۶ ژوئن ۱۹۷۲: «ورود خسارت به محیط زیست واقع در خارج از قلمرو صلاحیت ملی ممنوع است.» بدیهی است که

می توان چنین استدلال کرد که وظیفه توجه به محیط زیست، در درگیری های مسلحانه ی غیر بین المللی نیز در صورتی که آن درگیری ها اثراتی بر کشور دیگر داشته باشد، مصداق می یابد. این استدلال بر پایه نظر دیوان بین المللی دادگستری مبنی بر اینکه حفظ توازن زیست بومی یک کشور یک «مصلحت اساسی» است،^۱ و رای دیوان مبنی بر وظیفه دولت ها در حصول اطمینان نسبت به این که در فعالیت انجام شده در قلمرو تحت کنترل آن ها محیط زیست سایر کشورها یا مناطق فرامرزی آن ها حفظ شود، استوار است.^۲ این ها بخشی از قواعد عرفی حقوق بین الملل هستند. به علاوه بسیاری از معاهدات مربوط به قوانین زیست محیطی شامل رفتار یک کشور در درون قلمرو خود نیز می گردد.^۳

پیشنهاد گنجانند قاعده مندرج در بند (۳) ماده ۳۵ پروتکل الحاقی اول در رابطه با حفاظت از محیط زیست در پروتکل دوم الحاقی در کنفرانس دیپلماتیک ۱۹۷۴ پذیرفته شد اما در سال ۱۹۷۷ رد شد. البته احتمال عرفی شدن این قواعد نسبت به درگیری های مسلحانه غیر بین المللی وجود دارد. با وجود این، خسارات عمده به محیط زیست حتی در درگیری های مسلحانه داخلی به ندرت مرزهای بین المللی را رعایت می کند و نیز وارد کردن چنین خساراتی ممکن است ناقض سایر قواعدی باشد که در درگیری های مسلحانه بین المللی و غیر بین المللی حاکم است، به عنوان مثال ممنوعیت حملات بدون رعایت تفکیک [۵].

ماده ۸ اساسنامه دیوان کیفری بین المللی نیز به جرم انگاری خسارت به محیط زیست در طی درگیری های مسلحانه غیر بین المللی نپرداخته است. با این حال می توان به بند ۴ ماده ۲ پروتکل سوم کنوانسیون سلاح های متعارف که مبتنی بر شرط عمومی و کلی تمایز میان اهداف نظامی و غیر نظامی است، استناد نمود. در کنار آن، اصول راهنمای حمایت از محیط زیست در زمان درگیری مسلحانه، دستورالعمل های نظامی صادره از جانب کشورها و بیانیه نهایی کنفرانس بین المللی صلیب سرخ مصوب ۱۹۹۳ در خصوص حمایت از قربانیان جنگ به صراحت از دولت ها خواسته است تا احترام به حقوق بین المللی بشردوستانه درباره حمایت از محیط زیست در برابر تخریب جدی و عمدی را در کلیه درگیری های مسلحانه تضمین نماید [۶]. در ادامه مساله اهمیت حفاظت از محیط زیست در درگیری های مسلحانه، انواع خسارات وارده به محیط زیست و عبارت «خسارات شدید، گسترده و پایدار بر محیط

این ممنوعیت، فعالیت‌های نظامی - جنگی را نیز در بر می‌گیرد [۴] . به علاوه اصل ۲۴ اعلامیه ریو نیز اعلام نمود: «جنگ ذاتاً نابود کننده توسعه پایدار است. بنابراین دولت‌ها باید به مقررات بین‌المللی ناظر به حمایت از محیط زیست در دوران درگیری مسلحانه احترام گذارند و در صورت لزوم در توسعه بیشتر این قواعد همکاری نمایند.» [۸] .

همچنین، به موجب ماده ۲۹ عهدنامه بین‌المللی استفاده غیرکشتیرانی از آبراه‌های بین‌المللی مورخ ۲۱ مه ۱۹۹۷ مقرر می‌دارد: «آبراه‌های بین‌المللی و تاسیسات... از حمایت مقرر در اصول و قواعد بین‌المللی قابل اجرا در درگیری‌های مسلحانه بین‌المللی و داخلی بهره‌مند می‌گردند و در تخلف از این اصول و قواعد، مورد استفاده قرار نخواهند گرفت.»

در تعالیم مذهبی اسلامی، و در آئین هندو و بودا نیز ایراد خسارت به محیط زیست چه در زمان درگیری و چه در زمان صلح ممنوع و یا محدود شده‌اند. کد لیبر نیز اقدامات تخریبی زیست محیطی و تخریب منابع مالی و غذایی افراد را ممنوع می‌شمارد [۷] .

به این ترتیب اسناد حقوق بین‌الملل محیط زیست به حفاظت از محیط زیست در درگیری مسلحانه توجه داشته‌اند. البته این توجه به صورت کلی و بیان قواعد کلی حفاظت از محیط زیست است و برخی از این مقررات به اصول حقوق بشردوستانه برای این حفاظت و حمایت ارجاع داده‌اند. از این رو بررسی این مقررات برای درک بهتر اصول حاکم بر حفاظت از محیط زیست در قبال خسارات ناشی از درگیری مسلحانه، ضروری می‌نماید.

از جمله اسناد دسته دوم عبارتند از کنوانسیون‌های لاهه، کنوانسیون‌های ژنو ۱۹۴۹، پروتکل اول الحاقی به کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو ۱۹۷۷ [۲۳] اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری و کنوانسیون انمود . این اسناد در ادامه این نوشتار بررسی خواهند شد.

با تصویب کنوانسیون انمود [۲۲] ممنوعیت استفاده از محیط زیست به عنوان یک سلاح شناسایی شد. در این میان بحث خسارت عمدی به محیط زیست مطرح شد که این خسارت ممکن است در قالب کنوانسیون انمود (استفاده از محیط زیست به عنوان یک سلاح) یا در قالب خسارت عمدی به محیط زیست هنگامی که محیط زیست سلاح نمی‌باشد، مطرح شود.

خساراتی که در خلال درگیری‌های مسلحانه به محیط زیست وارد می‌شود به لحاظ عمدی یا غیر عمدی

بودن قابل تقسیم بندی است. در رابطه با خسارات غیرعمدی به محیط زیست، هدف از حمله نظامی خسارت به محیط زیست نیست بلکه در نتیجه حملات در کنار دیگر خسارات، خساراتی نیز به محیط زیست وارد می‌شود. که در این میان باید اصل احتیاط که یکی از اصول حقوق بشردوستانه است را به کار گرفت زیرا اختیار طرفین درگیری در این مورد نامحدود نیست و وقتی احتمال خساراتی با مشخصات گسترده وجود داشته باشد باید از آن اقدام نظامی خودداری کرد. در این نوشتار تمرکز اصلی بر روی خسارات عمدی به محیط زیست است. در رابطه با خسارات عمدی به محیط زیست بایستی به آستانه‌های مقرر در اسناد فوق‌الذکر توجه نمود. این آستانه‌ها در ادامه بررسی خواهند شد.

۲- طبقه بندی خسارات عمدی به محیط زیست

همان گونه که گفته شد این خسارات ممکن است به دو صورت وارد شود که در ادامه گفته خواهد شد.

۲-۱- تخریب محیط زیست به عنوان یک سلاح

رویه کشورها به طور گسترده انهدام کلی محیط زیست را به عنوان نوعی سلاح منع می‌کند. مقررات مندرج در پروتکل اول الحاقی عمدتاً به اثرات چنین رویه‌ای اشاره می‌کند. در حالی که کنوانسیون انمود^۴ (کنوانسیون ممنوعیت استفاده نظامی یا هرگونه استفاده خصمانه دیگر از تکنیک‌های تغییر دهنده محیط زیست) در این خصوص صراحت دارد.

کنوانسیون انمود را باید تنها کنوانسیون بین‌المللی زیست محیطی دانست که بر خلاف تمام کنوانسیون‌های زیست محیطی که ناظر بر شرایط صلح می‌باشند، بر حفاظت از محیط زیست در شرایط جنگ تاکید می‌نماید، هر چند در نص خود به عنوان یک کنوانسیون زیست محیطی دارای ابهاماتی در مفاهیم آسیب گسترده، پایدار و شدید است [۹] .

ماده یک کنوانسیون انمود مقرر می‌دارد: « هر یک از دول عضو این کنوانسیون متعهد می‌گردند که برای اهداف نظامی یا هر هدف خصمانه دیگر از فنون تغییر محیط زیست که دارای آثار گسترده، پایدار یا شدید باشد به عنوان وسیله‌ای برای وارد آوردن خرابی، خسارت یا صدمه به یکی از دول عضو استفاده نمایند.»

این کنوانسیون موارد تحت‌الشمول را تکنیک‌هایی می‌داند که اثرات تخریبی گسترده، درازمدت یا جدی دارند.

زیست در خلال به درگیری مسلحانه انجامیده، در صورتی که به نحو فاحشی به انسان لطمه جدی وارد می‌ساخت جرم انگاری شده است. به واقع بیشتر موافقت‌نامه‌های منعقد شده درباره تخریب محیط زیست در خلال به درگیری مسلحانه انسان محور هستند، به عبارتی تخریب یا استثمار محیط زیست را صرفاً در صورتی ممنوع می‌شمارند که خساراتی به منافع یا حیات و بقاء انسان نیز وارد آورد. تعداد محدودی از کنوانسیون‌های بین‌المللی نیز که طبیعت محورند^۵ دارای معیارهای ذهنی و مبهم اند و یا به مسئولیت کیفری فرد و مسئولیت بین‌المللی دولت متخلف بسنده می‌کنند، بدون اینکه سازوکار اجرایی منظم و رویه مطلوبی پدید آورده باشند. به نظر می‌رسد کنوانسیون انمود برای محیط زیست به خودی خود و بدون در نظر گرفتن جمعیت غیر نظامی در هنگام درگیری مسلحانه ارزش قائل شده است. می‌توان این کنوانسیون را یک کنوانسیون طبیعت محور خواند.

۲-۲- تخریب عمدی محیط زیست به عنوان اموال غیر نظامی

تا پیش از جنگ جهانی دوم کلیه موافقت‌نامه‌های بین‌المللی برای حفاظت از محیط زیست در درگیری‌های مسلحانه انسان محور بودند. کنوانسیون ۱۹۰۷ لاهه [۲۰] در دو ماده به حمایت از محیط زیست در درگیری می‌پردازد. ماده ۲۳ دامنه تخریب را تا ضرورت‌های جنگی توسعه می‌دهد و ماده ۵۵ که عمدتاً مربوط به زمان اشغال است، از ممنوعیت تخریب جنگل‌ها و منابع طبیعی و آثار باستانی در قلمرو دولت اشغالی یاد می‌کند. با این حال هیچ کدام از این مقررات ارزشی به ذات برای طبیعت قائل نیستند.^۶ البته این دو ماده به صراحت از محیط زیست یاد نکرده اند، بلکه می‌توان با شمول محیط زیست در زمره اموال غیرنظامی، حمایت‌های موجود را به محیط زیست نیز تسری داد.

کنوانسیون‌های ژنو نیز محدودیت‌های مشابهی دارند. ماده ۵۳ کنوانسیون چهارم ژنو در حمایت از غیرنظامیان در زمان درگیری محدودیت در تخریب محیط زیست را مگر در صورت وجود ضرورت نظامی نمی‌پذیرد.^۷

علاوه بر این ماده ۲۲ کنوانسیون چهارم لاهه ۱۹۰۷ اشعار می‌دارد: «حق طرفین متخاصم در اتخاذ روش‌های آسیب‌رسانی به دشمن نامحدود نیست.» ماده مذکور هر چند به صراحت حفاظت از محیط زیست را در شرایط جنگ

منظور از تکنیک‌ها استفاده از ابزارها و روش‌هایی است که موجب تغییر محیط زیست طبیعی توسط انسان می‌شود. برخی از این تغییرات گاهی به خودی خود مفید و در راستای تحقق اهداف مسالمت‌آمیز هستند. مثلاً بارور کردن سریع برخی از جانوران و گیاهان گاهی ضمن مفید بودنش می‌تواند در جهت تحقق هدف‌های خصمانه بکار رفته و بسیار خطرناک گردند یا ایجاد باران یا برف مصنوعی یا جزر و مد و امواج دریاها و ...

برخی دیگر از این تغییرات اساساً نه مفید هستند و نه در جهت اهداف مسالمت‌آمیز مورد استفاده قرار می‌گیرند، از جمله ایجاد طوفان‌ها و زمین لرزه‌های مصنوعی که نه تنها متضمن هیچ گونه نفعی برای جامعه بشری نیست، بلکه جز نیستی و نابودی ارمغانی به همراه ندارد. امروزه تنها معاهده بین‌المللی که در این خصوص وجود دارد کنوانسیون انمود هست. این عهدنامه استفاده از نیروهای محیط زیست را به عنوان سلاح آن‌گونه که از خسارت محیط زیست متمایز می‌گردد، بررسی می‌کند. این کنوانسیون هر تکنیکی که برای تغییر فرایندهای طبیعی، حرکت، ترکیب یا ساختمان زمین، شامل زندگی گیاهان و جانوران، لیتوسفر، هیدروسفر و اتمسفر و یا فضای خارجی هواسپهر را به کار بگیرد را شامل می‌شود.

متأسفانه در برخی از درگیری‌های مسلحانه از این فنون به عنوان ابزار جنگی استفاده شده است، از جمله در جنگ ویتنام یا جنگ عراق علیه کویت.

رویه‌های قابل ملاحظه‌ای وجود دارد که حمله عمدی به محیط زیست را به عنوان یک روش جنگی منع می‌کند. از جمله قانون جزایی استونی ایجاد تغییرات در محیط زیست به عنوان یک روش جنگی را منع می‌کند. از این رو صرفنظر از اینکه مفاد کنوانسیون منع روش‌های تغییر زیست محیطی به خودی خود عرف باشد یا خیر، رویه‌ی به قدر کافی گسترده و هماهنگ وجود دارد که می‌توان نتیجه گرفت از انهدام محیط زیست طبیعت نمی‌توان به عنوان یک سلاح استفاده کرد [۵].

در نهایت مقررات پروتکل عمدتاً به آثار انهدام کلی محیط زیست به عنوان نوعی سلاح می‌پردازد در حالی که کنوانسیون انمود به استفاده عمدی از یک شیوه به منظور ایجاد تغییرات در محیط زیست اشاره دارد [۴].

نکته قابل تامل در این میان، این است که از جنگ ویتنام به این سو به نظر می‌رسد در برخی از اسناد بین‌المللی اقدامات زیست محیطی که به تخریب محیط

اشعار می‌دارد: «سدها، آب بندها، ایستگاه‌های ژنراتورهای الکتریکی اتمی و سایر ابنیه یا تاسیسات حاوی نیروهای خطرناک را از حمله محافظت می‌نماید، حتی زمانی که ساختمان تاسیسات یک هدف نظامی است. چنانکه امکان این باشد که حمله با آزاد شدن نیروهای خطرناک باعث عواقب وخیم و تلفات جمعیت غیرنظامی شود نیز نباید مورد حمله قرار گیرد.» استثنایی که بر این قاعده حاکم است، عبارت است از حالتی که سد یا آب بند به صورت مرتب، مشخص و مستقیماً در پشتیبانی از عملیات نظامی بکار گرفته شود و حمله به آن تنها راه عملی خاتمه این پشتیبانی باشد. این محدودیت نیز مانند حالت اهداف ضروری برای بقای جمعیت غیرنظامی مربوط به حفاظت از قربانیان جنگ است. در هر حال حفاظت از چنین تاسیساتی به علت جلوگیری از خسارات اکولوژیکی ناشی از رهاسازی نیروهای خطرناک دارای کیفیت حقوق حفاظت زیست محیطی است.

ماده ۵۵ پروتکل اول الحاقی بیان می‌کند که:

«۱- در هنگام جنگ باید مراقبت شود که محیط زیست طبیعی در مقابل خسارات گسترده، پایدار و شدید محفوظ بماند. این حفاظت شامل ممنوعیت استفاده از روش‌ها و یا وسایل جنگی است که برای ایجاد چنین خسارتی تعبیه شده است یا اینکه احتمال می‌رود که چنین آثاری داشته باشد و در نتیجه به سلامت یا بقای سکنه لطمه بزند. ۲- حمله علیه محیط زیست طبیعی به عنوان تلافی جویی ممنوع است.»

قسمت دوم ماده ۵۵ پروتکل حمله علیه محیط زیست طبیعی را به عنوان تلافی جویی ممنوع کرده است. طبق کنوانسیون‌های متعدد دیگری مانند کنوانسیون‌های لاهه در مورد جنگ زمینی، کنوانسیون چهارم ژنو در مورد حمایت از قربانیان جنگی، کنوانسیون راجع به حفاظت از میراث فرهنگی در جنگ و مواد دیگری از پروتکل اول الحاقی به کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو، اعمال تلافی جویانه را در مواردی ممنوع اعلام کرده‌اند که این ممنوعیت‌ها خود دارای خصلت حفاظت زیست محیطی می‌باشد. با این توجه که اصل اقدام تلافی جویانه یکی از قواعد حقوق درگیری‌های مسلحانه است.

نقاط قوت و برتری پروتکل در این است که به ضرورت‌های نظامی توجه نمی‌کند و آن‌ها را به عنوان عامل توجیه‌کننده حمله به محیط زیست نمی‌داند و به قصد مرتکب برای ورود خسارت به محیط زیست توجه نمی‌کند.

مدنظر قرار نداده ولی به طور کلی با نامحدود ندانستن اقدامات طرفین متخاصم، می‌توان آن را به نوعی در راستای حفاظت از محیط زیست دانست [۹].

بند ۲ ماده ۶ اساسنامه دادگاه نظامی نورنبرگ (۱۹۴۵) [۲۶] به ارتکاب جرائم جنگی، به تخریب غیرضروری اموال، مناطق گوناگون شهری و غیر آن اشاره دارد.^۸ اساسنامه این دادگاه به نوعی محیط زیست را به عنوان اموال غیرنظامی شناسایی کرده است.

پس از جنگ مهیب ویتنام در دو سند بین‌المللی ایجاد خسارات زیست محیطی در زمان درگیری ممنوع شدند. نخست کنوانسیون انمود^۹ و دیگری پروتکل اول الحاقی ۱۹۷۷ به کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو^{۱۰}، که به طور خاص در بند سه ماده ۳۵ و در بند اول ماده ۵۵، شیوه‌ها و ابزارهای جنگی را که ممکن است خساراتی شدید، طولانی مدت و گسترده به محیط زیست وارد کنند، ممنوع می‌کند. به عبارت دیگر صریح‌ترین مواد حقوق درگیری‌های مسلحانه که آثار زیست محیطی دارند عبارتند از بند ۳ ماده ۳۵ پروتکل اول الحاقی به کنوانسیون‌های ژنو و همچنین بند ۱ ماده ۵۵ این پروتکل که کاربرد روش‌ها و وسایل جنگی که هدف از آن‌ها خسارت گسترده، پایدار و شدید به محیط زیست طبیعی است یا احتمال دارد چنین خساراتی را وارد نماید، را ممنوع می‌سازد.

بند ۳ ماده ۳۵ بیان می‌دارد: «استفاده از روش‌ها و ابزار جنگی که هدف از آن وارد آوردن خسارات شدید، گسترده و دراز مدت بر محیط زیست طبیعی باشد یا احتمال برود چنین اثراتی داشته باشد، ممنوع است.»

آنچه در بند ۲ ماده ۳۵ پروتکل اول الحاقی آمده، موضوعی است که تنها برای حفاظت از محیط زیست طبیعی علیه استفاده از اسلحه یا تکنیک‌هایی که عمده‌اً علیه محیط زیست بکار می‌رود و نه صرفاً برای حفاظت جمعیت غیرنظامی و رزمندگان کشورهای درگیر در جنگ در مقابل این آثار است بلکه همچنین برای حفاظت از محیط زیست طبیعی به خودی خود آثار زیاد و غیرقابل اجتناب ناشی از این حوادث و نتایج حاصل از بعد فراملی این مساله مورد نظر می‌باشد. البته از طرف دیگر مشخصه بارز این ماده این است که در جایی که پی‌آمد خسارت وارده به محیط زیست به بقاء و حیات انسان لطمه وارد نکند، به ممنوعیت تخریب محیط زیست اشاره‌ای نمی‌کند.

درباره حفاظت از تاسیسات و ساختمان‌های حاوی نیروهای خطرناک ماده ۵۶ پروتکل اول الحاقی این چنین

متفاوت است. بند ۳ ماده ۳۵ در خصوص ابزار و روش‌ها صحبت می‌کند و یک ممنوعیت کلی ایجاد می‌کند، در حالی که بند اول ماده ۵۵ خطر موجود در خصوص جمعیت انسانی را متذکر می‌شود و پس از آن یکسری ممنوعیت را برمی‌شمارد [۲].

بر اساس رویه موجود، فقدان قطعیت علمی در مورد اثرات عملیات خاص نظامی بر محیط زیست از مسئولیت طرفین درگیر در منازعه نسبت به اتخاذ تدابیر و اقدامات احتیاطی مناسب به منظور جلوگیری از خسارات غیر ضروری نمی‌گاهد. اصل تدابیر احتیاطی به طور فزاینده‌ای در حقوق محیط زیست به رسمیت شناخته می‌شود. کمیته بین‌المللی صلیب سرخ در گزارشی که در سال ۱۹۹۳ درباره حمایت از محیط زیست در درگیری‌های مسلحانه تسلیم مجمع عمومی سازمان ملل متحد کرد، به اصل تدابیر احتیاطی به عنوان یک اصل بالنده اما عموماً به رسمیت شناخته شده حقوق بین‌الملل اشاره کرد [۵].

قاعده ۷۶ حقوق بین‌المللی بشردوستانه عرفی همچنین استفاده از مواد علف کش به عنوان یک روش جنگی ممنوع شمرده است در صورتی که خسارات وسیع، دراز مدت و شدید به محیط زیست وارد آورد. این ممنوعیت در دومین کنفرانس بازنگری کشورهای عضو نمود نیز مورد تاکید مجدد قرار گرفت.

۳- بررسی تعهدات دولت‌ها در حفاظت از محیط زیست در خلال درگیری‌های مسلحانه

۱-۳- ماهیت تعهد به حفاظت از محیط زیست در طول درگیری مسلحانه

درباره ماهیت تعهد به حفاظت پیشنهاد شده است که باید برای جلوگیری از خسارات گسترده، پایدار و شدید اقدام شود. در رابطه با این تعهد امروزه محیط زیست را از اهداف نظامی مستثنی می‌کنند. تعهد به حفاظت در ماده ۵۵ (۱) پروتکل اول الحاقی پیشنهاد می‌کند که اقدامات لازم برای حفاظت از محیط زیست را در برابر درگیری‌ها اتخاذ کنند. این امر نقش بالایی از نظارت را می‌طلبد و استاندارد حفاظت، فراتر از اقدامات احتیاطی است [۲].

ممکن است این سوال مطرح شود که چه مقدار از محافظت لازم است تا تعهد به حفاظت رعایت شود؟ برای پاسخ در ابتدا بایستی ارزیابی صحیحی از محیط زیست در معرض خطر داشته باشیم. زمانی که خطر آسیب به محیط زیست در اثر اقدامات احتمالی شناخته شود، طرف درگیری

مشخصه بارز این اسناد این است که در جایی که پی آمد خسارت وارده به محیط زیست به بقاء و حیات انسان لطمه وارد نکند، به ممنوعیت تخریب محیط زیست اشاره‌ای نمی‌کنند [۷].

ماده ۲۲ پیش نویس طرح جرایم علیه صلح و امنیت بشری (۹ ژوئیه ۱۹۹۱) درگیری زیست محیطی^{۱۱} را به عنوان یک جرم جنگی به رسمیت می‌شناسد، و به صراحت بیان می‌دارد کاربرد روش‌ها یا جنگ افزارهایی که ضایعات بالفعل یا بالقوه گسترده، دراز مدت و شدیدی بر محیط زیست طبیعی به جا خواهند گذاشت از جمله جرائم جنگی فوق العاده مهم خواهد بود [۷].

ماده ۲۶ آن هم به شناسایی بوم‌گشی به عنوان یک جنایت بین‌المللی با شناسایی محیط زیست به عنوان یک موضوع^{۱۲} در حقوق کیفری بین‌المللی می‌پردازد، مشروط به اینکه خسارات وارده در اثر تخریب محیط زیست گسترده، دراز مدت و شدید باشد [۷].

طرح قبلی کمیسیون حقوق بین‌الملل در مورد مسئولیت دولت‌ها نیز در ماده ۱۹ خود (که در طرح سال ۲۰۰۱ کمیسیون حذف شد)، نیز به چنین جنایاتی اشاره داشت [۱۰].

ممنوعیت به کارگیری شیوه‌ها و وسایل جنگی آسیب‌زننده به محیط زیست به صراحت در بند سه ماده ۳۵ پروتکل اول الحاقی آورده شده است. رویه دولت‌ها این قاعده را به منزله یک قاعده عرفی حقوق بین‌الملل در زمینه درگیری‌های غیر بین‌المللی قابل اعمال می‌داند. رویه موجود درگیری‌ها نشان می‌دهد که حمایت از محیط زیست در خلال درگیری مسلحانه نه تنها از قواعد مربوط به حمایت از اموال غیرنظامی نسبت به محیط زیست بلکه همچنین از به رسمیت شناختن نیاز به حمایت ویژه از محیط زیست نشات می‌گیرد [۵].

مضافاً دیوان بین‌المللی دادگستری در جریان رسیدگی به پرونده سلاح‌های هسته‌ای در سال ۱۹۹۶ اینگونه اظهار نظر نمود که وظیفه کشورها در جهت حصول اطمینان از این امر که فعالیت‌های انجام شده در قلمرو تحت کنترل آن‌ها، محیط زیست سایر کشورها و مناطق فرامرزی آن‌ها را پاس می‌دارد، بخشی از قواعد عرفی حقوق بین‌الملل است [۵].

اگرچه ماده ۳۵ (۳) و ماده ۵۵ (۱) پروتکل اول الحاقی تا حدودی هم پوشانی دارند ولی ملاحظات این دو ماده

درگیری‌های نظامی نیز موثر واقع شود و اقدامات نظامی مغایر حفاظت از محیط زیست را به طور کلی منع نماید یا خیر؟ پاسخ دیوان منفی بود و معتقد بود معاهدات مذکور نمی‌توانسته جهت محروم کردن دولت‌ها از حق دفاع از خود، مقصود نظر باشد [۸].

از طرف دیگر دیوان اظهار داشت که حقوق محیط زیست «حاکمی از عوامل مهمی است که می‌باید در ضمن اجرای اصول و قواعد حقوق ناظر بر درگیری‌های مسلحانه مدنظر قرار گیرند.» معدود کشورهایی از جمله فرانسه، جزایر سالمون، بریتانیا و ایالات متحده در لوائح ارسالی خود به دیوان این موضوع را تجزیه و تحلیل کردند و نظرات متفاوتی در این خصوص اظهار داشتند.

با این حال به نظر می‌رسد در خصوص قابلیت اجرایی معاهدات محیط زیستی در خلال درگیری مسلحانه، اتفاق نظر کافی وجود ندارد. سند موسوم به رهنمودهای حمایت از محیط زیست در زمان منازعه مسلحانه اظهار می‌دارد که حقوق بین‌المللی محیط زیست «در زمان درگیری مسلحانه و تا حدودی که با قانون ناظر منازعه مسلحانه مغایرت نداشته باشد، هم چنان اعمال می‌شود.»

البته بایستی موافقتنامه‌های محیط زیستی دوجانبه را در این خصوص مستثنی کرد، به عنوان یک قاعده این موافقتنامه میان هر یک از دولت‌های درگیر در جنگ و دولت‌های بی طرف قابل اجرا است. در رابطه با طرفین درگیر در جنگ برخی از این موافقتنامه‌ها صراحتاً اجرای آن‌ها را در زمان درگیری پیش‌بینی کرده است. برخی به تعلیق اشاره نموده و برخی دیگر در این زمینه ساکت هستند. از جمله کنوانسیون تنوع زیستی ۱۹۹۲ که در این خصوص ساکت می‌باشد.

علاوه بر این بایستی میان درگیری‌های داخلی و بین‌المللی تفاوت قائل شد. کشوری که در قسمتی از آن درگیری رخ می‌دهد این امر تاثیری بر معاهدات محیط زیستی آن کشور ندارد و هم چنان قابلیت اجرایی دارند، البته اگر قسمتی از کشور در دست شورشیان باشد، موضوع جنبه‌ای دیگر پیدا می‌کند [۱۲].

۳-۳- توسل به سلاح هسته‌ای و خسارت عمدی به محیط زیست

دیوان در نظر مشورتی ۱۹۹۶ [۲۵] خود تعهدات کلی زیست محیطی در حقوق بین‌الملل را احراز و اعلام کرده است. دیوان معتقد بود بند ۳ ماده ۳۵ و ماده ۵۵ پروتکل

متعهد به انجام کارهای لازم برای حمایت از محیط زیست در مقابل آن خطرات است و نه تنها بایستی راه‌های احتمالی جلوگیری از این خطر را در نظر داشته باشد بلکه بایستی اقدامات مثبتی در راستای جلوگیری یا کاهش خطرات احتمالی انجام دهد. این امر بدیهی است که حتی در موارد ضرورت نظامی نیز بایستی کارهای لازم برای کاهش خسارت به محیط زیست انجام شود [۲].

در رابطه با آستانه این حفاظت کنوانسیون انمود از چند کیلومتر صحبت می‌کند که می‌تواند شامل یک جنگل یا حتی کشور باشد. به عبارت دیگر بایستی خطر موجود یکی از مولفه‌های شدید بودن، پایدار بودن یا شدید بودن را داشته باشد. همچنین تمامی خطرات پایدار و شدید نمی‌توانند گسترده باشند و همه خطرات گسترده نیز نمی‌توانند پایدار و شدید باشند [۱۱].

۲-۳- قابلیت اعمال قواعد حقوق بین‌الملل محیط زیست در درگیری مسلحانه

به دلیل خلاء و کاستی‌های موجود در چارچوب حقوق بشردوستانه بین‌المللی در خصوص حفاظت از محیط زیست در طول درگیری مسلحانه این سوال مطرح می‌شود که امکان پر کردن این خلاءها با قواعد حقوق بین‌الملل محیط زیست وجود دارد؟

این مسأله که اصول بیانیه‌های استکهلم و ریو به خصوص اصل ۲۱ و اصل ۲ را می‌توان یا نمی‌توان در جریان درگیری‌های مسلحانه به کار بست، با درخواست نظر مشورتی از دیوان بین‌المللی دادگستری مطرح شد. قدرت‌های مجهز به سلاح هسته‌ای به چنین کاربردی بشدت اعتراض کردند. ایالات متحده معتقد بود: «اصل ۲۱ مذکور بدین منظور نوشته نشده که نسبت به درگیری مسلحانه به کار برده شود چه رسد به منظور بکارگیری سلاح هسته‌ای در سرزمین خارجی».

درباره این مسئله که آیا معاهدات مرتبط با حفاظت از محیط زیست، مستقیماً در خصوص جلوگیری از اقدامات نظامی در درگیری مسلحانه اعمال می‌شود و می‌تواند استفاده از سلاح‌های هسته‌ای را منع نماید، دیوان بین‌المللی دادگستری از بررسی موضوع در چارچوب این شرایط خودداری ورزید. دیوان معتقد بود مهم این است که تشخیص داده شود که هدف هم پیمانان این معاهدات آن بوده که تعهدات مندرج در آن معاهدات که در کل به حفاظت از محیط زیست مربوط می‌شود، بتوانند در طول

حقوق نسل سوم توجه داشته است. این حق به عنوان یک حق اساسی در مجموعه جدید از حقوق بشر تحت عنوان حقوق نسل سوم (حق بر محیط زیست سالم) مورد توجه واقع شده است [۱۵].

به رغم رای دیوان بین‌المللی دادگستری می‌توان با توسل به دلایل، مستندات و اصول حقوق بشردوستانه از جمله (اصل تفکیک، اصل تناسب، ممنوعیت حملات بدون تمایز، اقدامات احتیاطی، اصل حفاظت از محیط زیست در درگیری‌های مسلحانه)، ممنوعیت کاربرد سلاح‌های هسته‌ای در درگیری‌های مسلحانه اعم از بین‌المللی و غیربین‌المللی را اعلام نمود.

۳-۴- تعهدات بین‌المللی دولت‌ها در جلوگیری از خسارت به محیط زیست در هنگام درگیری‌های مسلحانه

با وجود قوانین متعدد حفاظت از محیط زیست در درگیری‌های مسلحانه بین‌المللی متأسفانه این قوانین از سوی طرفین درگیر نقض می‌گردد و برخورد مناسب با نقض کنندگان صورت نمی‌گیرد. برای اجرای موثر این قوانین بایستی مراحل پیشگیری، کنترل، برخورد با زیرپاگذارندگان و اطلاع‌رسانی صحیح در هر قاعده پیش‌بینی شود و تعهداتی را کشورها و سازمان‌های بین‌المللی و افراد بپذیرند. یکی از اصول ضمانت اجرای حقوق بین‌الملل وفای به عهد است، بنابراین با پذیرش رسمی کنوانسیون‌های ژنو، پروتکل اول الحاقی و مقررات حفاظت از محیط زیست در درگیری‌های مسلحانه، دولت‌ها پذیرفته‌اند که صرف نظر از هر گونه اظهار نظر درباره عهدنامه‌ها ضامن رعایت اسناد مزبور نسبت به همه کسانی باشند که تحت اقتدار و حاکمیتشان قرار دارند. به صورت کلی حقوق بین‌الملل و اجرای تعهدات حقوقی ناشی از آن، همانند حقوق سرزمینی و داخلی که نسبت به افراد الزام آور هستند، نسبت به دولت‌ها لازم‌الاجرا است. شرط لازم هر معاهده بین‌المللی الزام به اجرای تعهدات ناشی از معاهده از سوی دولت‌های پذیرنده است، علاوه بر آن در متن معاهدات، دولت‌ها مناسب دیدند که باز تعهد ناشی از الزام قراردادی را مورد تأکید قرار دهند، مانند ماده یک مشترک کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو ۱۹۴۹ [۲۱] که می‌گوید دولت‌های هم‌پیمان تعهد می‌کنند که این قرارداد را در هر وضعیتی محترم بشمارند. بنابراین دولت‌های متعهد و طرفین مناقشه باید بدون تأخیر همه اقدامات ضروری را برای اجرای تعهدات

اول الحاقی در رابطه با موضوع این رای مشورتی موضوعیت پیدا می‌کند و برای حفاظت از محیط زیست در خلال درگیری مسلحانه تعهد عمومی ایجاد می‌کند. دیوان با اشاره به پروتکل اول الحاقی به طور تلویحی و ضمنی از اعلام و احراز این که کنوانسیون مذکور نسبت به استفاده از سلاح‌های هسته‌ای اعمال می‌شود، خودداری ورزید [۱۳]. با این وجود معتقد بود تهدید یا استفاده از سلاح‌های هسته‌ای ممکن است برای محیط زیست فاجعه آفرین باشد [۴].

دیوان معتقد بود در کنفرانس‌های دیپلماتیک ۱۹۷۷-۱۹۷۴ بحث ماهوی در خصوص سلاح هسته‌ای صورت نگرفت و هیچ راه حلی در خصوص این مساله ارائه نشد، پروتکل اول الحاقی به هیچ وجه جایگزین قواعد عرفی حاکم بر تمام ابزارها و شیوه‌های جنگی و از جمله سلاح‌های هسته‌ای نشده بود [۸]. دیوان دو ماده ۳۵ و ۵۵ پروتکل اول الحاقی را تنها برای دولت‌های عضو پروتکل الزام‌آور دانست و به این نتیجه رسید که این دو ماده پروتکل جنبه عرفی پیدا نکرده است.

دیوان در تصمیم نهایی خود به ملاحظات زیست محیطی اشاره ای نمی‌کند و به اتفاق آراء نظر داد که تهدید یا استفاده از سلاح هسته‌ای باید با الزامات و ترتیبات حقوق بین‌الملل قابل اعمال در درگیری‌های مسلحانه مطابقت داشته باشد. دیوان در مقابل اعلام عدم ممنوعیت تهدید یا کاربرد سلاح‌های هسته‌ای، رعایت اصول بشردوستانه، از جمله اصل تفکیک، منع رنج و آلام زائد یا بیهوده یا بیش از اندازه انسان، منع خسارات گسترده به نسل‌های آتی بشر را لازم می‌داند [۴]. با به کارگیری سلاح‌های هسته‌ای به طور قطع آسیب جدی و گسترده به محیط زیست طبیعی وارد می‌کند و اصل حفاظت از محیط زیست در درگیری‌های مسلحانه نقض خواهد شد.^{۱۳}

در هر حال دیوان بین‌المللی دادگستری، در نظر مشورتی راجع به مشروعیت تهدید یا استفاده از سلاح‌های هسته‌ای مبنای جدیدی را در تایید حقوق بین‌الملل محیط زیست و شناسایی منافع نسل‌های آینده به جای گذارده است. دیوان در بند ۲۹ رای مذکور اعلام داشت که محیط زیست و نسل‌های آینده بر هم مرتبط هستند. با این حال عدم تصریح دیوان به «حقوق بین‌الملل محیط زیست» و احتیاط دیوان در این خصوص نتوانست گامی در ایجاد و پیوستگی ملاحظات زیست محیطی در اجرای حقوق بین‌الملل حاکم بر درگیری‌های مسلحانه بردارد [۱۴].

ادیوان در این رای به حقوق محیط زیست به عنوان یکی از

ناشی از عهدنامه های ژنو و پروتکل شماره یک و کنوانسیون نمود و سایر مقررات مربوط به حفاظت از محیط زیست در زمان جنگ را فراهم کند و دستورالعمل‌ها و ترتیباتی را برای تضمین رعایت آن‌ها اتخاذ و بر اجرای آنها کنند.

کشورهای هم پیمان بایستی عهدنامه‌ها و قوانین مربوط به حفاظت از محیط زیست در درگیری های مسلحانه مثل کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو، پروتکل اول الحاقی به این کنوانسیون‌ها و کنوانسیون نمود را بین همه کسانی که در اقتدار حاکمیتشان قرار دارند منتشر کنند. مواد مهم و مشابهی در کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو (۱۴۴، ۱۲۷، ۴۸، ۴۷) تصریح می‌کنند که اعضای هم پیمان متعهد هستند که در زمان صلح و جنگ متن عهدنامه را در سطح وسیعی در کشورهای متبوعشان منتشر کنند و بویژه مطالعه و آموزش مربوط به آن را در برنامه‌های نظامی قرار دهند و در صورت امکان در دستورالعمل‌های غیرنظامی بگنجانند. به گونه‌ای که اصول مربوط برای کل جمعیت قابل شناسایی باشد، به ویژه برای نیروهای رزمنده، مسلح، پزشکان و رهبران مذهبی.

علاوه بر این مطابق با ماده یک طرح مسئولیت بین‌المللی دولت، هر فعل متخلفانه بین‌المللی دولت موجب مسئولیت بین‌المللی آن دولت است. این فعل مطابق ماده ۲ این طرح هر رفتار متخلفانه بین‌المللی اعم از فعل و ترک فعل می‌باشد [۱۶].

مبنای دیگر این تعهد در خواست سیاسی کشورها متبلور است. قطعنامه‌های مجمع عمومی از دو جهت حائز اهمیت است، اول آن که تصمیمات سازمان ملل برای جامعه جهانی فارغ از لازم اجرا بودن یا نبودن معتبر است و دوم آن که قطعنامه‌های مجمع عمومی منشاء شکل‌گیری قواعد آمره می‌باشد. در ۲۵ نوامبر ۱۹۹۲ مجمع عمومی با اتخاذ قطعنامه ۴۷/۳۷ از دولت‌ها خواست که تمامی ضوابطی را که اجابت حقوق بین‌الملل موجود قابل اعمال در خصوص حمایت از محیط زیست در زمان درگیری های مسلحانه مقرر می‌دارد، تضمین کنند. هم چنین از تمامی دولت‌هایی که تاکنون به عضویت در کنوانسیون‌های بین‌المللی محیط زیست در نیامده‌اند، درخواست می‌کند نسبت به این امر اقدام کنند، و از دولت‌ها درخواست می‌کند که ضوابط حقوق بین‌الملل در خصوص حفاظت از محیط زیست را در ضوابط نظامی خود بگنجانند و در نهایت از دبیر کل درخواست می‌کند که از کمیته بین‌المللی صلیب سرخ دعوت کند تا کمیته و یا دیگر ارکان مرتبط، اقدامات خود را با توجه به

حفاظت از محیط زیست در خلال درگیری های مسلحانه گزارش دهند، و به مجمع عمومی سازمان ملل متحد ذیل آیتی تحت عنوان «دهه ملل متحد برای حقوق بین‌الملل» ، گزارشی را از فعالیت‌های انجام شده ارائه دهند.^{۱۴}

این قطعنامه اولین قطعنامه مجمع عمومی سازمان ملل متحد است که به طور ویژه به مسئله حفاظت از محیط زیست در درگیری های مسلحانه می‌پردازد. این قطعنامه بیان می‌دارد که «تخریب بی دلیل محیط‌زیست بدون ضرورت نظامی موجه، با حقوق بین‌الملل موضوعه در تعارض است». حق این است که این قطعنامه در شمار قطعنامه‌هایی تلقی شود که، به گفته خود دیوان: «دلیلی در جهت اثبات وجود قاعده‌ای عرفی یا تجلی رکن معنوی عرف به دست می‌دهند» [۱۷]. بسیاری از حقوقدانان نیز معتقدند که قطعنامه مذکور امروزه در میان دولت‌ها به صورت عرف بین المللی و بعضاً قاعده آمره پذیرفته شده است [۹].

قطعنامه ۵۶/۴ مجمع عمومی (۲۰۰۱) نیز اذعان می‌دارد: «خسارات به محیط زیست در زمان درگیری های مسلحانه تا مدت‌ها پس از پایان درگیری‌ها به اکوسیستم و منابع طبیعی آسیب می‌رساند و این آسیب‌ها گاهی از حدود یک سرزمین و نسل حاضر فراتر می‌رود.» هم چنین در این قطعنامه روز ۶ نوامبر هر سال «روز جهانی پیشگیری از استعمار محیط زیست در درگیری های مسلحانه» نامیده شده است.

نکته ای که در مورد این قطعنامه بایستی به آن توجه ویژه شود، عدم تخریب غیر ضروری محیط زیست در خلال جنگ‌ها با توجه به اثرات بلند مدت آسیب‌ها می‌باشد و این مسئله را در تضاد با الزام دولت‌ها به حفاظت محیط زیست برای بهره مندی از محیط زیست سالم به عنوان قاعده ای از نسل سوم حقوق بشر و در قالب قاعده آمره اعلام کرد.

همچنین اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی در ماده ۵ خود به معرفی جرائم تحت صلاحیت دیوان پرداخته و بیان می‌دارد: «صلاحیت دیوان محدود و منحصر به جدی‌ترین جرائم مربوط به جامعه بین‌الملل می‌باشد و شامل: کشتار جمعی، جنایات علیه بشریت، جنایات جنگی و جرم تجاوز است.»^{۱۵}

این مقرر به عنوان یک سازو کار مهم در جهت حفاظت از محیط زیست در زمان مخاصمه مورد قبول قرار گرفته است. ماده ۸ تصریحی بر این امر است که حمله جدی و فاحش در زمان مخاصمه یک جنایت جنگی محسوب می‌شود حتی اگر خسارت وارده به هیچ وجه به منافع انسان یا بقاء و حیات او لطمه‌ای وارد نسازد.

آن‌ها این ممنوعیت به عرف تبدیل گردیده است. کشورهای متعددی در اعلامیه‌های خود به دیوان بین‌المللی دادگستری در جریان رسیدگی به پرونده سلاح‌های هسته‌ای خاطر نشان ساختند که از نظر آن‌ها قواعد مندرج در بند ۳ ماده ۳۵ و بند ۱ ماده ۵۵ پروتکل اول الحاقی قاعده عرفی به شمار می‌آیند.

در حالی که بیشتر اسناد ذکر شده قبلی به جرم انگاری تخریب محیط زیست نپرداختند، ماده ۸ اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی یک تحول اساسی قرن معاصر، در جرم انگاری تخریب محیط زیست را به نمایش گذاشته است.

جزء چهارم بند ب ماده ۸ اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی مقرر می‌دارد: «دیوان دارای صلاحیت نسبت به جنایات جنگی است در صورتی که ... حمله‌ای عمدی با علم به اینکه چنین حمله‌ای باعث تلفات جانی یا آسیب گسترده به غیر نظامیان یا خسارت به اهداف غیرنظامی یا آسیب گسترده به غیرنظامیان یا خسارت به اهداف غیرنظامی یا آسیب گسترده، دراز مدت و شدید به محیط زیست خواهد شد و خسارت وارده آشکارا نسبت به ضرورت‌های نظامی بیش‌تر باشد.» به این ترتیب اساسنامه در رابطه با تخلف از ممنوعیت مندرج در این قاعده یک شرط اضافی بنا نهاد.

تفاوت‌های میان پروتکل، اساسنامه و کنوانسیون انمود در رابطه با آستانه مقرر، عبارت است از:

۱- کنوانسیون انمود آثار گسترده، پایدار یا شدید بر محیط زیست را منع کرده است. به عبارت دیگر هر کدام از این سه قید محقق شود ممنوعیت حاصل است، در حالی که پروتکل اول الحاقی و اساسنامه اثرات گسترده، پایدار و شدید بر محیط زیست را منع کرده است و باید هر سه این قیود محقق شود تا خسارت حاصل شود.

۲- پروتکل اول الحاقی و اساسنامه مربوط به هر روشی از جنگ است که هدفش ایجاد خسارت به محیط زیست باشد، در حالیکه کنوانسیون انمود محدود به روش‌هایی از جنگ است که محیط زیست را تحت نفوذ در آورد.

۳- پروتکل اول الحاقی و اساسنامه روابط میان متخصصان را تحت کنترل دارد در حالی که کنوانسیون انمود روابط بین کشورهای عضو کنوانسیون را کنترل می‌نماید.

۴- کنوانسیون انمود در زمان صلح و جنگ استفاده از هر تکنیکی را که بتواند مثلاً با تغییرات آب و هوا برای مدت طولانی موجب خسارت به یکی از کشورهای عضو گردد،

استقلال دادستان دیوان کیفری بین‌المللی^{۱۶}، صلاحیت اجباری دیوان بر دولت‌های عضو^{۱۷} به کارایی این مقرر نسبت به سایر اسناد بین‌المللی افزوده است.

با تمامی محاسنی که این مقرر دارد با این حال چهار معضل اساسی در بحث جرم انگاری تخریب محیط زیست در اساسنامه دیوان ملاحظه می‌گردد که عبارتند از: ۱. عنصر مادی آن مشتمل بر عبارات شدید بودن و طولانی بودن است که تا حد زیادی مبهم به نظر می‌رسد. ۲. معیار تناسب موجود در آن مانع از اعمال مطلوب مقرر است. ۳. عنصر روانی آن بسیار ذهنی است. ۴. در درگیری‌های مسلحانه غیر بین‌المللی قابلیت اعمال ندارد.

علاوه بر این موارد، خسارات زیست محیطی فرامرزی ممکن است منجر به رسیدگی‌هایی از سوی دیوان شود که سیستم صلاحیت اختیاری دیوان را به خطر اندازد یا تهدیدی بر آن تلقی شود. خسارات زیست محیطی تبعی در صورتی که دارای ویژگی ماده ۸ اساسنامه باشند، قاعدتاً فرامرزی بوده و از قلمرو خاص منطقه هدف خارج خواهند شد. از این رو دولتی که اساسنامه را تصویب نکرده ممکن است با وجود رضایتش، تحت صلاحیت دیوان قرار گیرد [۱۸].

۴- خسارات شدید، گسترده و پایدار بر محیط زیست

اسنادی که با این عبارت پردازی به حفاظت از محیط زیست در قبال خسارات عمدی پرداخته اند، پروتکل اول الحاقی، کنوانسیون انمود، اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی و پیش‌نویس طرح جرایم علیه صلح و امنیت بشری (۹ ژوئیه ۱۹۹۱) می‌باشند. پیش‌نویس طرح جرایم علیه صلح و امنیت بشری اصول نورنبرگ و مضامین حقوق بشری را نیز در خود نهفته دارد، برای نخستین بار ایراد خسارت عمدی و شدید نسبت به محیط زیست را به عنوان جنایت بین‌المللی تلقی کرد. به این ترتیب که مرتکبین این جنایات افرادی هستند که به طور ارادی، خود آزدانه خسارات طولانی مدت و شدید و گسترده به محیط زیست طبیعی وارد می‌کنند یا به این امر فرمان می‌دهند. این ماده از بند اول ماده ۵۵ پروتکل اول الحاقی (۱۹۷۷) به کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو الگوبرداری کرده است. همچنین صرفاً در زمان درگیری مسلحانه قابلیت اعمال دارد و به قابلیت اعمال در زمان صلح اشاره‌ای ندارد.

روشن است این مقررات با در نظر گرفتن آستانه‌های مقرر، در هنگام تصویب پروتکل‌های الحاقی تازگی داشته‌اند. از آن زمان تاکنون رویه‌های مهمی پدید آمده که در اثر

ممنوع می‌نماید در حالیکه پروتکل اول الحاقی و اساسنامه فقط در زمان جنگ ایجاد هر گونه تغییر پایدار خواه با وسایل مستقیم یا غیرمستقیم را ممنوع می‌نماید.

تفسیر صلیب سرخ مبنی بر این امر است که استفاده از عبارت « شدید، گسترده و دراز مدت بر محیط زیست» آستانه اعمال مواد مرتبط (در پروتکل الحاقی) را با اجازه عمل قضاوت در این خصوص کاهش داده است [۲]. مسئله زمان و مکان و شدید بودن در پروتکل اول الحاقی شدیدتر از کنوانسیون انمود است. منظور از زمان یک دهه است، منظور از مکان چندین هزار کیلومتر است و در رابطه با شدید بودن آستانه بسیار بالاتر از کنوانسیون انمود است.

در کنوانسیون انمود منظور از گستردگی خسارت، مساحتی بالغ بر چند کیلومتر مربع، پایداری خسارت یک دوره چند ماهه یا حدوداً یک فصل و خسارت شدید آن خسارتی است که موجب اختلال در محیط زیست یا خسارت جدی یا قابل توجه به حیات انسان یا منابع طبیعی و اکولوژیکی شود.

عبارت پردازی پروتکل اول الحاقی به گونه‌ای است که بایستی هر سه ی این شروط جمع باشند و منظور کشورهای تصویب کننده از (طولانی مدت) چند دهه است. کمیته بازنگری بمباران‌های ناتو در گزارش نهایی خود در سال ۲۰۰۰ اظهار داشت که آستانه تعیین شده چنان بالا است که احراز تخلف را دشوار ساخته است. گزارش خاطر نشان می‌سازد که به همین دلیل در مورد اینکه خسارات وارده در جنگ خلیج فارس از آستانه تعیین شده عبور کرده است یا خیر، اختلاف نظر وجود داشت [۵].

در حالی که عبارت طولانی مدت در کنوانسیون انمود به معنای چند ماه یا تقریباً یک فصل تعریف شده است. تفاوت مزبور به این دلیل است که کنوانسیون انمود بیشتر به دخل و تصرف عمدی در محیط زیست اشاره دارد تا اثرات مورد نظر یا مورد انتظار بر محیط زیست. علاوه بر این کشورهای عضو این کنوانسیون با یکدیگر توافق کرده‌اند که آستانه مقرر در خصوص زمان‌ها و مکان‌ها کوتاه باشد.

قاعده ۴۵ حقوق بین‌الملل بشردوستانه عرفی نیز بازتابی از ممنوعیت بند ۳ ماده ۳۵ پروتکل اول الحاقی می‌باشد، در حالی که قاعده ۴۴ مقررات دیگری را نیز می‌افزاید و آن عبارت است از این که در عملیات نظامی تمام اقدامات احتیاطی برای جلوگیری و به حداقل رساندن خسارات به محیط زیست بایستی در نظر گرفته شود. فقدان تاثیر قطعی اقدامات نظامی بر محیط زیست نباید طرف

درگیری را از اتخاذ اقدامات احتیاطی معاف کند. در قاعده ۴۴ آستانه خطر بیان نشده در حالی که این آستانه در پروتکل بیان شده است. از این رو بسیاری از کشورها در تصویب و تهیه دستورالعمل‌های نظامی خود به آستانه ذکر شده در این پروتکل ارجاع می‌دهند از جمله دستورالعمل نظامی استرالیا [۲].

مواد ۵۷ و ۵۸ پروتکل اول الحاقی از اقدامات احتیاطی درباره سکنه غیرنظامی و اموال غیرنظامی صحبت می‌کند و با تعهد گفته شده در بند اول ماده ۵۵ هم پوشانی دارد. این مواد به طور غیرمستقیم محیط زیست را به عنوان اموال غیرنظامی شناخته و برای محیط زیست ارزشی واقعی قائل شده است. بند ۳ ماده ۵۷ مقرر می‌دارد طرفین درگیری اقدامات نظامی خود را با حداقل آسیب به غیرنظامیان و اموال غیرنظامی طراحی می‌نمایند و در این ماده به گونه‌ای تنها واژه حفاظت مهم است و خبری از آستانه گفته شده در ماده ۵۵ نیست. این همان رویکردی است که قاعده ۴۴ حقوق بین الملل عرفی بشردوستانه در پیش گرفته است [۲].

مواد اولیه‌ای که مستقیماً به حمایت از محیط زیست پرداخته‌اند مواد ۳۵ و ۵۵ پروتکل اول الحاقی است. این مواد به هدف نهایی خود نرسیده‌اند زیرا آستانه خسارت گسترده، پایدار و شدید به محیط زیست دقیق نمی‌باشد و حصول آن تا حدودی بعید است و در اکثر مواقع خسارات محیط زیستی جدی در خارج از این چارچوب اتفاق می‌افتد و این در حالی است که هیچ گونه حمایتی وجود ندارد [۱۲].

علاوه بر این ماده ۵۶ پروتکل اول الحاقی یکسری حمایت درباره کارگاه‌ها و تاسیسات دارای نیروی خطرناک پیش بینی کرده است. برخی عملیات در جنگ جهانی دوم به این تاسیسات مرتبط است. از جمله حمله هواپیماهای جنگی انگلستان به سد روهر در آلمان، هم چنین تهدید ایالات متحده آمریکا در حمله به سدهای ویتنام شمالی در جنگ ویتنام به منظور ایجاد طغیان‌های وحشتناک. به نظر می‌رسد هدف نهایی از تدوین این ماده حمایت از افراد غیرنظامی در مقابل صدمات شدید می‌باشد؛ نه حمایت از محیط زیست به خودی خود، اگرچه رعایت این ماده دارای مزایای محیط زیستی می‌باشد. هم چنین در رابطه با حفظ و حمایت از محیط زیست طبیعی، به منزله مال غیرنظامی نمی‌توان اثرات مخرب، اعم از مستقیم یا غیرمستقیم وسایل و شیوه‌های نبرد را بر محیط زیست در زمان درگیری نادیده انگاشت. از جمله حمله به اموال لازم جهت بقای جمعیت غیر نظامی، حمله به تاسیسات حاوی نیروی خطرناک،

به نظر می‌رسد این کنوانسیون برای محیط زیست به خودی خود و بدون در نظر گرفتن جمعیت غیر نظامی در هنگام درگیری مسلحانه قائل به ارزش شده است و آن را یک کنوانسیون طبیعت محور خواند.

از سوی دیگر خسارات وارده بر محیط زیست ممکن است به صورت عمدی یا غیر عمدی واقع شود. خسارات عمدی زمانی به محیط زیست وارد می‌شود که از محیط زیست به عنوان یک سلاح استفاده می‌شود یا از محیط زیست به عنوان اموال غیر نظامی به صورت عمدی وارد می‌شود. کنوانسیون انمود یکی از مهم ترین اسنادی است که استفاده از محیط زیست به عنوان سلاح را ممنوع کرده و محیط زیست به خودی خود و بدون در نظر گرفتن جمعیت غیر نظامی در هنگام درگیری مسلحانه قائل به ارزش شده است. از اینرو می‌توان این کنوانسیون را یک کنوانسیون طبیعت محور خواند. در رابطه با خسارات غیر عمدی به محیط زیست، هدف از حمله نظامی خسارت به محیط زیست نیست بلکه در نتیجه حملات در کنار دیگر خسارات، خساراتی نیز به محیط زیست وارد می‌شود.

علیرغم وجود قوانین متعدد حفاظت از محیط زیست در درگیری های مسلحانه بین‌المللی متاسفانه این قوانین از سوی متخاصمان نقض می‌گردد و برخورد مناسب با نقض کنندگان صورت نمی‌گیرد. به دلیل خلاء و کاستی‌های موجود در چارچوب حقوق بشردوستانه بین‌المللی در خصوص حفاظت از محیط زیست در طول درگیری مسلحانه امکان پر کردن این خلاءها با قواعد حقوق بین‌الملل محیط زیست مطرح شده است. با این حال به نظر می‌رسد در خصوص قابلیت اجرایی معاهدات محیط زیستی در خلال درگیری مسلحانه، اتفاق نظر کافی وجود ندارد، اگرچه دلایل قوی در خصوص استفاده از این مقررات ذکر شد.

علاوه بر اسناد و مقررات ذکر شده، امروزه اکثر حقوقدانان بر این باور هستند که ضرورت حفاظت از محیط زیست در درگیری های مسلحانه به سبب باور جامعه جهانی به لزوم آن به عنوان یک قاعده آمره و تعهدی بین‌المللی با اثرات ارگاو منس مطرح شده است. تحقق ضرورت حفاظت از محیط زیست علاوه بر اراده کشورها، همکاری آن‌ها را نیز طلب می‌کند. بسیاری از معاهدات دربردارنده هنجارهای پذیرفته شده‌ای اند که تاثیر ارگاو منس دارند که بدون شک برای کلیه کشورها اعم از دول عضو و غیر عضو لازم اجرا هستند که در این میان می‌توان از معاهداتی چون پروتکل اول الحاقی به کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو، انمود و نیز

استفاده از سلاح‌های متعارف، کاربرد سلاح‌های انهدام فراگیر و استفاده از فنون تغییر محیط زیست طبیعی می‌توانند به نحوی موجب تخریب محیط زیست طبیعی گردند [۴].

در رابطه با آستانه‌های مقرر ذکر دو نکته خالی از فایده نیست. محیط زیست بنا به مورد ممکن است هدف نظامی تلقی شود و در این میان تعریف هدف مشروع نظامی بر آن صدق کند. زمانی محیط زیست هدف نظامی شناخته می‌شود که حمله به آن باید برای طرف درگیری مزیت مشخص نظامی داشته باشد. علاوه بر این خسارت به محیط زیست حتی اگر به آستانه‌های مقرر نرسد اگر منجر به حصول هدف نظامی مشخصی نشود نیز نامشروع است. نمی‌توان قائل به این امر شد که هرگاه این آستانه‌ها حاصل نشود خسارت به محیط زیست مجاز است. از طرف دیگر اصل تناسب در مورد هر رفتاری در درگیری های مسلحانه باید رعایت شود. به ویژه زمانی که اموال غیرنظامی مورد هدف واقع می‌شوند و این امر در نظر گرفته شود که به نسبت مزیت به دست آمده چه خسارتی وارد شده است.

۵- نتیجه گیری

با توجه به رشد روزافزون سلاح های با سطح تخریب وسیع، و با عنایت به شاخص هایی نظیر پایداری، گستردگی و شدت صدمات وارده به محیط زیست در خلال درگیری های مسلحانه، بشر به ضرورت ایجاد محدودیت در ورود تخریب به محیط زیست طی درگیری های مسلحانه پی برده است. جامعه بین‌المللی، در این باره تنها به ابراز نگرانی اکتفا ننموده و اقدامات در خور توجهی را صورت داده است که شاخص ترین آنها که به طور خاص به موضوع حفاظت از محیط زیست در درگیری های مسلحانه می‌پردازد، ناظر به کنوانسیون "انمود" می‌باشد.

همان طور که ذکر شد بطور کلی دو دسته از قوانین و مقررات به حفاظت از محیط زیست در درگیری مسلحانه پرداخته‌اند. دسته اول مقررات راجع به حقوق بین‌الملل محیط زیست است، که چه در زمان صلح و چه در زمان جنگ برای حفاظت از محیط زیست بکار می‌روند. البته این توجه کلی و به صورت بیان قواعد کلی حفاظت از محیط زیست است و برخی از این مقررات به اصول حقوق بشردوستانه برای این حفاظت و حمایت ارجاع داده‌اند. گروه دوم مقررات حقوق بشردوستانه است که برخی از این مقررات جنبه زیست محیطی دارند و کاربرد آنها در زمان جنگ است. مهم ترین این مقررات کنوانسیون انمود است.

پی‌نوشت‌ها

- ¹ Environmental and International humanitarian law, 29/10/2010, Overview.
- ² Case concerning The Gabčíkovo, Nagymaros Project, 25 September 1997.
- ³ LEGALITY OF THE USE OF NUCLEAR WEAPONS IN ARMED CONFLICT BY A STATE, International Court of Justice, 1996.
- ⁴ Convention on the Prohibition of Military or Any Other Hostile Use of Environment Modification Techniques, Des. 10, 1976, art 1.
- ⁵ Exocentric
- ⁶ Convention Respecting the Laws and Customs of War on land, Oct, 18, 1907, art.23and 55.
- «Art.23 ...To destroy or seize the enemy's property, unless such destruction or seizure be imperatively demanded by the necessities of war»
- «Art. 55. The occupying State shall be regarded only as administrator and usufructuary of public buildings, real estate, forests, and agricultural estates belonging to the hostile State, and situated in the occupied country. It must safeguard the capital of these properties, and administer them in accordance with the rules of usufruct.»
- ⁷ Geneva Convention Relative to the Protection of Civilian Persons in Time of War, Agu.12, 1949, art 53.
- ⁸ Charter of Nuremberg 1945.
- ⁹ Convention on the Prohibition of Military or Any Other Hostile Use of Environment Modification Techniques, Des. 10, 1976, article 1.
- ¹⁰ Protocol Additional to the Conventions of Agu.12, 1949, and relating to the protection of Victims of International Armed Conflicts, June 8, 1977, art 35(3).
- ¹¹ Environmental Warfare
- ¹² Subject
۱۳. قواعد ۴۵-۴۳-۷۶ از مجموعه قواعد عرفی حقوق بشردوستانه.
- ¹⁴ A/RES/47/37, 25 November 1992, Protection of the environment in times of armed conflict.
- ¹⁵ Rome Statute art.5
- ¹⁶ Rome Statute art.15 (1)
- ¹⁷ Rome Statute, art.12(1)

منابع

- [1] Shilton D, Alexander case, (1389), judicial base of environmental law, translator Mohsen Abdullahi, Khorsandi, Tehran; 2010. p39.
- [2] Hulme K, Taking care to protect the environment against damage: a meaningless obligation?, International Review of the Red Cross; 2010; 9 (879):675-691.
- [3] ICRC Assistance Division, Report and Document, Framework for environmental management in assistance programs. September 2009, International Review of the Red Cross; 2010; 92(879):747-797.
- [4] Ziaee Bigdeli M, (1392) International Humanitarian Law, the International Committee of the Red Cross, Tehran; 2013. p150.
- [5] Henckaerts J, Dvsvaldbek L, Customary International Humanitarian Law, Volume I,

قطعه‌نامه‌های مجمع عمومی سازمان ملل متحد در سال‌های ۱۹۹۲ [۱۹] و ۲۰۰۱ و اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی نام برد. این استدلال از آنجا نشأت می‌گیرد که دیوان در رای بارسلونا تراکشن یکی از مصادیق تعهدات ارگا اومنس را حفاظت از محیط زیست دانسته است.

از آنجا که دستیابی به یک اجماع جهانی در قالب یک معاهده برای حفاظت از محیط زیست در زمان جنگ با چالش روبه‌رو است، ضرورت حفاظت از محیط زیست در زمان جنگ به سمت و سوی قواعد آمره و تعهدات ارگا اومنس پیش رفته است. چرا که طی سال‌هایی که از جنگ‌های جهانی گذشته و تجربیات جامعه جهانی از اثرات مخرب جنگ چه در شرایط جنگ و چه اثرات پایدار آن‌ها در سال‌های پس از آن، بشر را به این نتیجه و باور رسانده که جنگ‌ها تمام می‌شوند و لی اثرات آن‌ها تا مدت‌ها باقی می‌ماند، از همین رو می‌بایست تلاش شود تا این اثرات را به حداقل رساند.

در این راستا بایستی شکل‌گیری معاهدات منطقه‌ای حفاظت از محیط زیست یا کاهش خسارات زیست محیطی ناشی از درگیری‌های مسلحانه در این مناطق را در نظر داشت، زیرا رسیدن به اجماع جهانی در قالب یک معاهده فراگیر الزام‌آور با مشکلاتی روبه‌رو است.

از آنجایی که مقررات معدودی از حقوق بین‌الملل بشردوستانه به صراحت به حمایت از محیط زیست پرداخته است، ابزارهای غیرمستقیم بایستی کارایی بیشتری پیدا کند. از اصول حاکم بر حقوق بشردوستانه از جمله محدودیت در شیوه و وسایل جنگی، اصول حاکم بر حمایت از غیرنظامیان و اموال غیرنظامی در درگیری‌های مسلحانه یاری جست. به نظر می‌رسد خلاء موجود این امر است که محیط زیست قابلیت تبدیل به هدف نظامی را دارد. خلاء دیگر این است که در رابطه با واژه «تناسب» جایی که حمله به اهداف غیرنظامی از جمله خسارت به محیط زیست مزیت نظامی برتری داشته باشد، صراحت کافی وجود ندارد.

در نهایت فضای بین‌المللی موجود مانع از آن شده که جرم‌انگاری تخریب محیط زیست در اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی وضوح بیشتر و گستره‌ای وسیع‌تر پیدا کند. قطعاً رویه دیوان بین‌المللی دادگستری در آینده به روشن شدن ابهامات موجود منتهی خواهد شد.

- [17] Momtaz J , *Le recours à l'arme nucléaire et la protection de l'environnement : l'apport de la Cour internationale de Justice*, In International Law, the International Court of Justice and Nuclear Weapons, Laurence Boisson de Chazournes and Philippe Sands (Editors), Cambridge University Press, Cambridge; **1999**.
- [18] Jessica L, Kevin J, The First Exocentric Environmental War Crime: the limits of article 8(2)(B)(IV) OF THE Rom Statute, *Georgetown International Environmental Law Review*; **2007** ; **20** (1): 61-95.
- [19] General Assembly, A/RES/47/37, Protection of the environment in times of armed conflict, **1992**.
- [20] Convention Respecting the Laws and Customs of War on land, **1907**.
- [21] Geneva Convention Relative to the Protection of Civilian Persons in Time of War, **1949**; **12**.
- [22] Convention on the Prohibition of Military or Any Other Hostile Use of Environment Modification Techniques, **1976**.
- [23] Protocol Additional to the Conventions of Aug. 12, 1949, and Relating to the protection of Victims of International Armed Conflicts, **1977**.
- [24] UN Doc. A/49/323 and GA res. 49/50 , **1994**.
- [25] LEGALITY OF THE USE BY A STATE OF NUCLEAR WEAPONS IN ARMED CONFLICT, International Court of Justice, **1996**.
- [26] Charter of Nuremberg **1945**.
- Translation Office of International Affairs of the Islamic Republic of Iran and the International Committee of the Red Cross Judiciary, Majd, Tehran; **2012**. p262.
- [6] Shafii N, Hanjani A, International legal aspects of armed conflict Ghyrbynalmly, Mizan, Tehran; **2013**. p162.
- [7] Legal and Parliamentary Affairs Office of the Environmental Protection Agency, Environmental Law (theory and practice), Khorsandi , Tehran; **2009**. p147.
- [8] Shafei M, (1377), International Court of Justice advisory opinion on the threat or use of nuclear weapons, Journal: Faculty of Law and Political Science (Tehran University); **1998**; **41**: 129-156.
- [9] Azadbakht B, Pourhashemi A, Zibakalam S, Hermidas D, Legal protection of the environment in armed conflict, emphasizing the Persian Gulf War, Journal of Geopolitics; **2013** ; **31**: 195-222.
- [10] Zamani, Gh, The development of international responsibility in the light of international law, Environmental Law Journal , **2002**; **1**: 27-59.
- [11] Hulme, K , War Torn Environment: Interpreting the Legal Threshold, Martinus Nijhoff, Leiden; **2004**. pp 80-88.
- [12] Bothe M, Bruch C, Diamond J, Jensen D, International law protecting the environment during armed conflict: gaps and opportunities, International Review of the Red Cross; 2010; 92(879):569- 592.
- [13] Brown Weiss E, Translation Nader S, Environmental protection and the rights of future generations, in the light of the advisory opinion of the International Court of Justice 1996, Foreign Policy; **2001**; **59**: 847-868.
- [14] Najafi M, Jalalian A, The necessity of establishing an international court of criminal and legal environment to protect the environment against damage in the 22-day war on Gaza, Journal of strategy; **2012**; **21**(36): 205-241.
- [15] Vakil A, Askari P, Third-generation human rights, solidarity rights, Majd, Tehran; **2004**. p 64.
- [16] Jalalian A, International responsibility for violating international law environment Israel's 22-day Gaza conflict, strategy; **2012**; **(65)**: 93-128.



